

موضوع تحقیق: نیازهای انسان از دید نگاه قرآن

مقدمه

همه ی ما می دانیم که انسان زندگی فردی و اجتماعی دارد پس گریزی نیست که در این نوع از زندگی با نیازها و خواسته هایی روبرو شود در این پژوهش ضمن اشاره به برخی نیازهای ضروری انسان بر آن شدیم که با توجه به آیات و رهنمودهای قرآن این نیازها را بررسی کنیم که این نیازها شامل: نیاز به خوردن و آشامیدن، لباس و پوشاک، مسکن و نیاز به جنس مخالف (گریزه جنسی) و غیره می باشد که پاسخ قرآن این تنزیل عزیز رادر متن مقاله خواهیم داشت .

۱- نیاز به خوردن و آشامیدن

نخستین نیاز مادی انسان خوردن و آشامیدن است و ادامه حیات مادی اش در گرو برآورده شدن آن می باشد

نخستین پیام قرآن در این خصوص این است که **فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ**^۱

به یقین مراد از " نگاه کردن " تماشای ظاهری نیست، بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی، و اجزاء حیاتبخش آن، و تاثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، و سپس اندیشه در خالق آنها است.^۲

^۱ (انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! عبس: ۲۴)

^۲ (مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶، ص: ۱۴۵)

قرآن در آیات متعددی بر خوردن از غذایی که دو شرط حلال بودن و پاک بودن را دارد تاکید می‌ورزد، از جمله در آیات زیر:

يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا^۳

كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا^۴

قرآن کریم در آیات دیگری منابع خوراک انسان را اینگونه معرفی می‌کند:

الف: چهارپایان؛

الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ^۵

ب: آبزیان؛ وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا^۶

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِلسَّيَّارَةِ^۷

۳- گیاهان و محصولات کشاورزی

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا، فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا، وَعِنَبًا وَقَضْبًا، وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا، وَحَدائقَ غُلْبًا، وَفَاكِهَةً وَ

أَبًا، مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ^۸

^۳ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! (البقره: ۱۶۸)

^۴ و از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید!! (المائدة: ۸۸ و النحل: ۱۱۴)

^۵ و چهارپایان را آفرید در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است و از گوشت آنها می‌خورید! النحل: ۵

^۶ او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید (النحل: ۱۴)

^۷ صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است تا (در حال احرام) از آن بهره‌مند شوید (المائدة: ۹۶)

^۸ سپس زمین را از هم شکافتیم، و در آن دانه‌های فراوانی رویاندیم، و انگور و سبزی بسیار، و زیتون و نخل فراوان، و باغهای پردرخت، و میوه و چراگاه، تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایان باشد! (عبس: ۳۲-۲۶)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَتْهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَتْهَا، مَتَاعًا لَكُمْ وَلِالْأَنْعَامِ^٩

و هم چنین منابع نوشیدنی و حیات بخش برای انسان را اینگونه بیان می دارد:

١- آب؛ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ^{١٠}

٢- شیر؛ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِغًا
لِّلشَّرِبِينَ^{١١}

٣- عسل؛ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{١٢}

قرآن کریم در ضمن بیان راهکارهای ایجابی در زمینه ی خوردن و آشامیدن راهکارهای سلبی را نیز در پس روی او قرار می دهد؛ نهی انسان از:

الف: خوردن مردار، خون و گوشت خوک و شت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده- مگر آنکه آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند:

^٩ و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، و کوهها را ثابت و محکم نمود! همه اینها برای بهره گیری شما و چهارپایان است! (النزعات: ٣٣-٣١)

^{١٠} هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟! (الانبیاء: ٣٠)

^{١١} و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم! (النحل: ٦٦)

^{١٢} سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی ببیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می شود که در آن، شفا برای مردم است به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می اندیشند. (النحل: ٦٩)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ^{۱۳}

ب: نوشیدن خمر

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا^{۱۴})

ج: هم چنین نهی از آنچه که از خوردن آنچه از راه ربا به دست آمده است

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ^{۱۵}

۴- یا از طریف غصب فراهم شده است

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ^{۱۶}

از این دسته اند .

۲- نیاز به لباس و پوشاک

لباس از نیازهای اساسی انسان است تا آنجا که تاریخ نشان می دهد انسان همیشه لباس می

پوشیده است^{۱۷}

قرآن کریم به دو فائده مهم لباس تصریح می کند:

¹³ (المائدة: ۳)

¹⁴ در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. البقره: ۲۱۹»

¹⁵ کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده -البقره: ۲۷۵

¹⁶ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. النساء: ۲۹:

¹⁷ (کاکس، ویل، -روت ترمز ۱۳۱۶- تاریخ لباس -ترجمه شیرین بزرگمهر -تهران -توس - چ ۴، ص ۵)

۱- حفظ عورت و زینت بخشی آن

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا^{۱۸}

۲- جنبه حفاظتی لباس در برابر گرما و سرما:

وَ جَعَلْ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ^{۱۹}

سرابیل "جمع" سربال" (بر وزن مثقال) از نظر لغوی به معنای پیراهن است^{۲۰} از هر جنسی که باشد^{۲۱}، سایر مفسرین نیز همین معنی را تایید کرده‌اند، ولی بعضی آن را به معنی هر گونه لباس و پوشش دانسته‌اند، اما مشهور همان معنی اول است. البته پوشش و لباس فایده‌اش تنها این نیست که انسان را از گرما و سرما حفظ کند، بلکه هم شکوهی است برای انسان و هم در برابر بسیاری از خطراتی که متوجه جسم او می‌شود لباس یک وسیله دفاعی است، چرا که اگر انسان برهنه بود شاید هر روز گوشه‌ای از بدنش مجروح می‌شد ولی در آیه فوق روی خاصیت اول از نظر اهمیت تکیه شده است.^{۲۲}

قرآن کریم در ضمن ارائه ی فوائد پوشیدن لباس از اسراف در مصرف لباس نیز نهی کرده است:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^{۲۳}

¹⁸ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست(الاعراف: ۳۶)

¹⁹ برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست(النحل: ۸۱)

²⁰ (ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص: ۳۴۴،)

²¹ راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم^۲ الدار الشامیة - دمشق بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ص: ۴۰۶)

²² مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص: ۳۴۷)

²³ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! (الاعراف: ۳۱)

۳- نیازبه مسکن

نیازبه مسکن از جمله نیازهای مادی انسان است. مسکن از ماده ی سکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن سکونت یابد^{۲۴} به تعبیر دیگر می توان گفت سکن به معنای ثبات ، استقرار و آرامش می باشد. و مسکن مناسب باید تامین کننده ی امنیت و آرامش جسمی و روحی ساکنان خود باشد؛ قرآن کریم نیز خانه هایی که سکونت و آرامش رابرای آدمیان به ارمغان می آورند از نعمتهای خدای داننده و می گوید:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا^{۲۵}

در نگاه قرآن استقرار آدمیان بر زمین بدین منظور بوده تا آنها بتوانند از زمینهای مسطح و کوه ها قصرهای مجلل و خانه های مستحکمی رابرای خود بگیرند:

وَبُؤُوكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِقُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا ءَالَ اللَّهِ^{۲۶}

از سوی دیگر مسکن مناسب در نگاه قرآن باید از در و دیوار مطمئن برخوردار باشد تا اهل خود را در برابر دشمن محافظت کند:

وَيَسْتَنْدِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا^{۲۷}

۴- نیازبه جنس مخالف (غریزه جنسی)

²⁴ (طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. موسوی همدانی سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش ج ۱، ص: ۱۴۵۴)

²⁵ و خدا برای شماخانه هاییتان را مایه آرامش قرار داد، (النحل: ۱۰)

²⁶ در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید! بنا بر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! (الاعراف: ۱۷۴)

²⁷ و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است!»، در حالی که بی حفاظ نبود آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند. (الاحزاب: ۱۳)

غریزه جنسی از نیرومندترین و سرکش‌ترین غرائز ذاتی انسان است و به همین سبب نیاز به جنس مخالف یکی از نیازهای اصلی انسان به شمار می‌آید.

قرآن کریم ازدواج را تنها راه صحیح بلسخگویی به این نیاز می‌داند و می‌گوید:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^{۲۸}

و چون ازدواج دائم برای عده‌ای که به سن ازدواج رسیده‌اند همواره امکان‌پذیر نیست، قرآن کریم برای جلوگیری از انحراف غریزه جنسی دو راهکار اساسی را پیش روی مومنان می‌گذارد؛

الف: رعایت عفت و پارسایی؛ وَ لَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^{۲۹}

ب: ازدواج موقت: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^{۳۰}

قرآن کریم نسبت به حفظ غریزه جنسی و کنترل آن در مسیر صحیح توصیه‌های فراوانی کرده است از جمله در آیات زیر:

الف: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ^{۳۱}

²⁸ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است! (النور: ۳۳)

²⁹ و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند النور: ۳۳

³⁰ زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، بلبیکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است. (النساء: ۳۴)

³¹ به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.» و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند» (النور: ۳۱-۳۰)

ب: الحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا^{۳۲}

ج: وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ^{۳۳}

و در ضمن تاکید به حفظ غریزه جنسی؛ زنا را کاری بسیار زشت و بیراهه (وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا^{۳۴}) و مرد و زن زناکار را مستحق عقوبت (الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجِلِدُوا كُلُّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ)^{۳۵} و لواط را در ردیف زنا و انحراف روشن از مسیر صحیح غریزه جنسی دانسته است (إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ، أَ تَنْكُمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقَاطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرِ)^{۳۶}

۵- نیاز به امنیت و آرامش روانی

نیاز به امنیت و آرامش روانی یکی از اساسی ترین نیازهای انسان به شمار می رود، قرآن کریم ایمان به خدا را یگانه وسیله تحقق امنیت روانی می داند و این حقیقت را با صراحت اینگونه بیان می کند:

³² مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است. (الاحزاب: ۲۵)

³³ و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند. (المعارج: ۳۱-۳۲)

³⁴ و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. (الاسراء: ۳۳)

³⁵ به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید (النور: ۲)

³⁶ «شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم زمین در آن [کار] بر شما پیشی نگرفته است. آیا شما با مردها درمی‌آمیزید و راه [توالد و تناسل] را قطع می‌کنید و در محافل [انس] خود پلیدکاری می‌کنید؟ العنکبوت: ۲۸-۲۹»

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ^{۳۷}

و هم چنین در آیاتی از جمله: مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۳۸} و در این آیه (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^{۳۹} ایمان را وسیله اصلی پیشگیری از هر گونه خوف و حزنی می داند.

بر طبق آیات قرآن ایمان واقعی به خدا، انسان را در برابر آزمایشها و فراز و نشیب های سهمگین زندگی استوار می سازد: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لَّكِنَّا لَا نَسُوهُ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَيْنَاكُمْ^{۴۰}

و مرگ را در نگاهش آسان می کند؛

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ، نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ^{۴۱} و اعتراف به گناه و طلب بخشش از درگاه خدایا وسیله ای برای افزایش

³⁷ آری، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند! (الانعام: ۱۲)

³⁸ کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (بنا بر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.) (البقره: ۱۱۲)

³⁹ کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (الاحقاف: ۱۲)

⁴⁰ هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر آنکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خدا آسان است! این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نیاشید! (الحديد: ۲۳-۲۴)

⁴¹ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هر چه طلب کنید به شما داده می شود!» (الفصلت: ۳۱-۳۰)

امید و هدایت و تقرب بیشتر به خداوند قرار می دهد وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى^{۴۲}

۶- نیاز به محبت و عشق

نیاز به محبت و عشق، از جمله نیازهای روانی انسان است و این نیاز در شکل های گوناگون در وجود انسان ظهور می یابد من جمله در ؛ روابط دوستانه با دیگران، رابطه با همسر و فرزندان، یا موقعیت در یک گروه ویژه یا کل جامعه^{۴۳} هم چنین در رابطه با اشیای مادی یا مفاهیم معنوی یا انتزاعی .

خداوند در قرآن محبت برخاسته از ایمان راز عالی ترین شکل های عشق و محبت می داند و ایجاد آن را به خود نسبت می دهد: وَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ الْآلِفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَآ كِنَّ اللَّهَ الْآلِفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{۴۴}

و در آیات دیگر مودت و رحمت بین همسران را نیز معلول جعل تکوینی خود می داند: وَ مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{۴۵}

برخی از اشکال عشق و محبت در نگاه مردمان دنیاگرا از زیبایی و جذابیت خاصی بر خوردار است مانند حبّ شهوات از زنان ، فرزندان، اموال فراوان از طلا و نقره و اسب های

⁴² و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم! (طه: ۸۳)

⁴³ (شولتس ، دوان ۱۳۸۶)، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران ، تهران، ارسباران، چ ۶، ص ۳۶۵-۳۶۶

⁴⁴ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! (الانفال: ۶۳-۶۴)

⁴⁵ و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! (الروم: ۲۱)

ممتاز و چهارپایان و زراعت؛ قرآن علاقه ی افراطی به این زیبایی های دنیوی را مذمت و در مقابل آنچه که در مسیر سرای آخرت باشد تشویق می کند:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ^{٤٦}

محبت پدر به فرزند نیز تا آنجا مورد تایید قرآن قرار می گیرد که با ایمان راستین و عشق به خداوند در تعارض نباشد:

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ قَالَ يُنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْلُنْ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ^{٤٧}

قرآن کریم در راستای جهت دادن صحیح به توان ذاتی محبت و عشق آدمیان، والاترین، کاملترین و خالص ترین نوع محبت را عشق مومنان به خدای بزرگ معرفی می کند:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ^{٤٨}

۷- نیاز به خیر و فضیلت

نیاز به خیر و فضیلت یکی دیگر از نیازهای فطری و دایمی بشر است که در همه افراد این نوع وجود دارد. انسان نیاز دارد به انجام افعال خیر و با فضیلت نه از آن جهت که منفعتی دارد

⁴⁶ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (آل عمران: ۱۴)

⁴⁷ نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگلو! پسر من از خاندان من است و وعده تو حق است و تو از همه حکمکنندگان برتری!» فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [فرد ناشایسته ای است!] پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!!» (هود: ۴۶-۴۵)

⁴⁸ بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهانشان)، شدیدتر است (البقره ۱۶۵)

و نیازی از نیازهای مادی او را برطرف و یا زیانی را از او دفع می‌کند بلکه از آن جهت که آن امور خیر است و با وجود او سازگاری دارد^{۴۹}

قرآن کریم باارایه تعریف کاملی از نیکی و خیر، آدمیان را به صراحت به آن فرامی خواند

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ
السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^{۵۰}

آیه فوق با ایمان آغاز شده است و از میان تکالیف به نماز که سمبلی از رابطه خلق باخالق است و انفاق و زکات به عنوان سمبل رابطه خلق با خلق اشاره کرده و از میان برنامه های ارزشی با تکیه بر وفای به عهد و استقامت و پایداری که ریشه همه صفات عالی اخلاقی را تشکیل می دهد ، به پایان رسیده است : زیرا وقتی ایمان کامل شود، نه قلب دچار شک و تردیدی گردد و نه در اعمال و رفتار تخلفی دیده می شود^{۵۱}

باتوجه به آیه فوق الذکر و توضیحی که داده شد نیکی این نیست که روی خودرا هنگام عبادت به سمت مشرق یا مغرب قرار دهیم، بلکه مفهومی گسترده دارد که همه ی اصول اعتقادی و بسیاری از عبادات و فضایل اخلاقی مانند وفای به عهد ، صبر و استقامت را شامل می شود

⁴⁹ (مهدوی کنی ، صدیقه، ساختار گزاره های اخلاقی قرآن، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۸۱ ش ،، ص: ۱۳۸)

⁵⁰ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علقه‌های که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می‌کنند و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها هستند پرهیزکاران! البقرة: ۱۷۷

⁵¹ (مهدوی کنی ، صدیقه، ساختار گزاره های اخلاقی قرآن، ص: ۱۳۹)

قرآن کریم در جهت دهی صحیح به این نیاز مهم فطری، آن را پس از عبادت خدا و پرهیز از شرک، مهم ترین وظیفه ی انسان می شمارد و نثار نیکی هارا بر اساس یک طبقه بندی اینگونه بیان می کند:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَ
الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا^{۵۲}

قرآن کریم هم چنین همگان را به تعاون برای نیکی و تقوا فرامی خواند و از همکاری برای گناه و دشمنی به دور می دارد:

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ^{۵۳}

از نگاه قرآن رسیدن به مقام نیکوکاری در گرو انفاق از آنچه مورد علاقه انسان است می باشد:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^{۵۴}

۸- نیاز به جمال و زیبایی

یکی دیگر از نیازهای فطری انسان نیاز به زیبایی و جمال است. انسان زیبایی را در همه شئون زندگی دخالت می دهد و دوست دارد همه چیز از شکل ظاهری خودش تا مناظر جلوی چشمش زیبا و قشنگ باشد و تمام زندگی او را هاله ای از زیبایی فرا گرفته باشد.

⁵² و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند)، دوست نمی دارد. النساء: ۳۶

⁵³ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! (المائده: ۳)

⁵⁴ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است. آل عمران: ۹۲

نخستین نکته ای که در باب زیبایی ها از قرآن می توان سراغ گرفت این است که قرآن زیبایی های هستی را به خدا نسبت می دهد و محروم ساختن انسان هر را از آنها توبیخ می کند :

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ^{۵۵}

با اینکه زیبایی های موجود در هستی بر دو گونه اند : گروهی به صورت طبیعی و براساس آفرینش و گروهی با فکر و ذوق و تلاش انسانها پدید آمده اند اما دلیل انتساب همه ی آنها به خداوند، در آیه مذکور این است که زیبایی های پدید آمده توسط انسان نیز با الهام و هدایت فطری خداوند به انجام می رسد.^{۵۶}

قرآن کریم به انواع گوناگونی از زیبایی های هستی تصریح و آدمیان را به درک و بهره برداری از آنها ترغیب می کند. از این قبیل است:

الف: زیبایی آسمان با تزئین ستارگانش^{۵۷}

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ^{۵۸}

ب: زیبایی ترکیب انسان و صورت او: وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ^{۵۹}

ج: زیبایی مناظر طبیعی: تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ^{۶۰}

⁵⁵ گو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟ (الأعراف: ۳۳)

⁵⁶ طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۱۰۰)

⁵⁷ قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص: ۵۴.

⁵⁸ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم. الصافات: ۶)

⁵⁹ و شما را تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر التغابن: ۳ و غافر: ۶۴

⁶⁰ (از سوی دیگر) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به حرکت در می آید و می روید و از هر نوع گیاهان زیبا می رویند! الحج: ۵

دال: زیبایی ایمان:

٦١ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ

قرآن کریم در ضمن اینکه بیان می دارد هدف اصلی از آفریدن نعمت‌ها و زیبایی‌ها، استفاده و برخوردار شدن مؤمنان است، گرچه کافران نیز بهره‌می‌برند. «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^{٦٢} در جای دیگر این زیبایی‌ها و نعمت‌ها را وسیله آزمایش آدمیان می‌داند و می‌فرماید: (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^{٦٣}) و از سوی دیگر بیان می‌دارد که باید علاقه به زینت، انسان را به هلاکت نکشد و بهره‌گیری از آن کنترل شده باشد^{٦٤}، لذا قرآن، نشان‌دادن زینت زنان را جز برای شوهرانشان و محرم‌های آنان، حرام می‌داند:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ^{٦٥}

۹- نیاز به علم و دانش و آگاهی

⁶¹ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده، الحجرات: ۷

⁶² (الاعراف: ۳۳)

⁶³ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند! «الکهف: ۷»

⁶⁴ (قرآنی محسن، تفسیر نور، ج ۱، ص: ۵۵)

⁶⁵ زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند «النور: ۳۱»

حکمی از نیازهای اصیل انسان نیاز به علم، دانش و معرفت و واقعیت های جهان هستی است، این نیاز از همان کودکی بروز می کند و تا پایان عمر از انسان سلب نمی شود، سوالات پی در پی کودکان نشانه وجود این نیاز فطری است؛ از دید قرآن رسیدن به علم و دانش از ارزش و اعتباری معادل ایمان به خدا برخوردار می باشد:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ الَّذِينَ ءَاتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{۶۶}

زیرا سیر علمی انسان به وسیله حواس ظاهری شروع می شود و از مرحله نیروهای عقلانی می گذرد، چون سلسله عقل منتهی به ذات مقدس حق تعالی می شود؛ می توان نتیجه گرفت که سیر عقلانی انسان منتهی به خداشناسی می شود. نیاز به حقیقت باشناخت عقلانی هستی به پایان نمی رسد و به این حد از آگاهی کاملاً قانع نمی شود و خواستار آگاهی عینی و درک حضوری و شهودی حقایق هستی است و چنین درکی به وسیله مفاهیم و بحث های فلسفی حاصل نمی شود. آنچه عطش حقیقت جویی انسان را کاملاً سیراب می کند علم حضوری و درک شهودی حقایق عینی است.^{۶۷}

از آنجاییکه وجود چنین نیازی در انسان از قوه و ظرفیت ذاتی منحصر به فردی سرچشمه می گیرد آیات متعددی از قرآن به روشنی به جهت دهی این توان در مسیر شناخت و درک حقیقت هستی، مبداء، معاد و هستی پرداخته اند. ابزارهای متعددی برای رسیدن به این نیاز اساسی، در وجود انسان تعبیه شده است که برخی حسی و برخی عقلی اند؛ در نگاه قرآن به کار نرفتن این ابزارها برای رسیدن به شناخت صحیح از حقایق هستی، آدمی را از جایگاه

⁶⁶ خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! المجادله: (۱)

⁶⁷ (مصباح یزدی، محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی، موسسه ی در راه حق، ص: ۲۶-۲۴)

والای خود در نظام آفرینش تنزل می دهد و وی رادر جایگاهی پست تر از چهارپایان می نشاند (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ⁶⁸)

علم، شناخت و فهم در نگاه قرآن چنان اهمیتی دارد که صدها آیه، -مستقیم و غیرمستقیم- درباره آن سخن گفته اند. ۱۳۵ آیه انسان رابه تفکر، تعقل، تدبر، تحصیل عقل ناب، شعور و فهم عالی فرا می خوانند؛ این آیات به ضمیمه آیاتی که در مورد ضرورت پرداختن به علم و آگاهی -به طور غیر مستقیم سخن گفته اند، بیش از ۳۰۰ آیه از آیات قرآن را شامل می شود⁶⁹

⁶⁸ بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد لئو و لالی هستند که اندیشه نمی کنند. الأنفال: ۲۳

⁶⁹ جعفری، محمدتقی، قرآن نمادحیات معقول، تهران ۱۳۸۶، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم، ص: ۲۲۳

قرآن کریم

منابع و ماخذ

ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص: ۳۴۴)

۲- جعفری، محمد تقی، قرآن نماد حیات معقول، تهران، ۱۳۸۶، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم

۳- راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه - دمشق بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ص: ۴۰۶)

۴- شولتس، دوان، ۱۳۸۶، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، ارسباران، چ ۶،

۵- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. موسوی همدانی سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش ج ۱۲، ص: ۴۵۴)

۶- قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش، ج ۴

۷- کاکس، ویل، -روت ترمز- ۱۳۸۶- تاریخ لباس - ترجمه شیرین بزرگمهر - تهران - توس - چ

۸- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶،

۹- مصباح یزدی، محمد تقی، خودشناسی برای خودسازی، موسسه ی در راه حق،

۱۰- مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره های اخلاقی قرآن، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۸۸ ش،،